



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۶ خرداد ۱۳۹۱

مصادف با: ۴ رجب المرجب ۱۴۳۳

جلسه: ۱۱۶

موضوع کلی: امتثال حکم

موضوع جزئی: نظریه حق الطاعة (نقد و بررسی)

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در بررسی مسلک حق الطاعة بود، عرض کردیم به نظر ما اشکالاتی به این مسلک وارد است که در جلسه گذشته یک اشکال مبنایی را به این نظریه طرح کردیم، صرف نظر از آن اشکال مبنایی به همان ترتیبی که ما ابعاد مختلف نظریه حق الطاعة را مطرح کردیم اشکالات را هم به همان ترتیب بیان می‌کنیم.

اشکال دوم:

اشکال دوم در مورد اشکالی است که شهید صدر نسبت به مشهور ایراد کردند که مشهور اشتباهی را مرتکب شده‌اند و ریشه اشتباه مشهور را هم ذکر کردند. برای اینکه اشکال را توضیح دهیم ناچاریم اصل فرمایش شهید صدر را به طور خلاصه عرض کنیم، ایشان فرمودند مشهور بین مولویت و منجزیت تفکیک کرده‌اند؛ یعنی مولویت مولی را قطعی دانسته لکن در باب منجزیت احکام می‌گویند این مسئله ارتباطی با مولویت ندارد و تکلیف فقط با یقین و قطع و وصول به مکلف منجز می‌شود و بدون وصول و قطع به تکلیف، تنجز مطرح نیست لذا مشهور ملتزم به قبح عقاب بلا بیان شدند، شهید صدر به این بیان مشهور اشکال کردند که تمایز و تفصیل بین مولویت و منجزیت در واقع تفصیل در حدود مولویت مولی و حق الطاعة است در حالی که این تفصیل و تبعیض صحیح نیست؛ چون منجزیت از لوازم حق الطاعة است و هر نوع تبعیض در منجزیت در واقع تبعیض در مولویت است بر همین اساس شهید صدر دایره حق الطاعة را وسیع دانسته و شامل تکالیف محتمله هم می‌دانند.

به نظر می‌رسد کلام شهید صدر صحیح نباشد چون مشهور بین مولویت و منجزیت تفکیک نکرده‌اند، به نظر مشهور منشأ منجزیت احکام همان مولویت است، معنای منجزیت این است که اگر کسی با دستور خداوند متعال مخالفت کند عقاب می‌شود و اگر موافقت کند به او پاداش داده می‌شود و این تنجز در واقع ریشه‌اش پذیرش مولویت مولی است؛ چون مولی است که امتثال او امر او واجب است و گرنه اگر کسی مولویت نداشته باشد اصلاً عقل حکم به لزوم امتثال او امر او نمی‌کند پس مشهور بین مولویت و منجزیت تمایز قائل نشده‌اند؛ چون اگر مولویت ثابت نباشد اصلاً تنجز احکام مطرح نخواهد بود و این امری است که مسلم است و البته شهید صدر هم این اشکال را متوجه مشهور نکرده لکن اشکال ایشان به مشهور این است که چرا بین حدود مولویت و حدود حق الطاعة تفکیک کرده‌اند، ایشان هر گونه تبعیض در منجزیت را به معنای تبعیض در مولویت و حق الطاعة می‌داند و بر همین اساس به مشهور اشکال کرده است ولی مسئله این است که همان گونه که بین

اصل مولویت و منجزیت ملازمه وجود دارد و مشهور هم این را قبول دارند و به تعبیر خود شهید صدر منجزیت از لوازم حق الطاعة است آیا بین حدود منجزیت و حدود مولویت هم ملازمه است یا خیر؟ قائلین به مسلک حق الطاعة معتقدند همان اطلاقی که در حدود مولویت ذاتیه خداوند تبارک و تعالی وجود دارد در مورد حق الطاعة و منجزیت هم که از لوازم آن است ثابت است. نقطه اختلاف مشهور و قائلین به مسلک حق الطاعة در این حدود است. حل این مسئله مبتنی بر معرفت معنای حق الطاعة است، معنای حق الطاعة، رعایت احترام و حریم و حق مولی است. رعایت حق مولی اقتضاء می‌کند که تکالیف و اوامر و دستورات مولی امتثال شود. شهید صدر مدعی است رعایت حریم مولی و احترام به مولویت مولی اقتضاء می‌کند در مواردی هم که احتمال تکلیف داده می‌شود به آن تکلیف محتمل اتیان شود؛ یعنی امتثال را در تکالیف محتمله هم لازم می‌دانند؛ چون مولویت مولی به نظر ایشان مثل سایر صفات او از اتم مراتب مولویت و حق او در اطاعت، بزرگ‌ترین حقی است که خداوند متعال بر بندگان دارد، ایشان ضمن بیان سه احتمال در دائره حق الطاعة نتیجه می‌گیرند که به حکم عقل دائره حق الطاعة علاوه بر قطعیات شامل احتمالات هم می‌شود و هیچ استدلالی هم بر این ادعا ذکر نکرده و فقط فرموده‌اند این نیاز به برهان ندارد و از مدرکات عقل عملی است که بین حدود حق الطاعة و منجزیت و بین حدود مولویت ملازمه است.

این اول کلام است و مشهور معتقدند چنین ملازمه‌ای وجود ندارد، بین اصل مولویت و اصل منجزیت ملازمه هست ولی بین حدود مولویت و حدود منجزیت هیچ ملازمه‌ای نیست؛ چون درست است که مولویت مولی مثل سایر صفات او از اتم مراتب مولویت است و ما در سعه مولویت ذاتیه تشریحیه خداوند بحثی نداریم، حق اطاعت او هم از اعظم حقوقی است که خداوند متعال بر بندگان دارد که یا به ملاک خالقیت و مالکیت و یا به ملاک منعیت این حق ثابت است که ما فعلاً کار نداریم ملاک مولویت خداوند چه چیزی است. آنچه فعلاً مورد بحث است این است که اصل مولویت ذاتیه برای خداوند متعال ثابت است و مولویت هم یکی از صفات است و مثل بقیه صفات از اتم مراتب مولویت است که یک مولویت نامحدود است، حق اطاعت هم همین طور است اما اینکه رعایت حق الطاعة و لزوم امتثال اوامر و دستورات مولی آن قدر وسیع باشد که شامل احتمالات هم بشود صرف یک ادعا است. به چه دلیل شما می‌گویید از مدرکات عقل عملی است که در همان محدوده مولویت و به همان وسعت و گستردگی، دائره حق الطاعة شامل تکالیف محتمله هم می‌شود، پس مشهور این را قبول ندارند. همان طور که ما در اشکال اول گفتیم تبعیت مولویت تشریحیه نسبت به مولویت تکوینیه صحیح نیست و قیاس مولویت تشریحی به مولویت تکوینی و مقایسه عالم تشریح به عالم تکوین قیاس مع الفارق است اینجا هم معتقد هستیم مولویت تشریحی برای خداوند متعال ثابت است و این مولویت تشریحی گسترده و از اتم مراتب مولویت است اما معنای مولویت تشریحی چیست و این گستردگی که در حوزه مولویت تشریحی خداوند متعال ثابت می‌دانیم به چه معناست؟ معنای مولویت ذاتیه خداوند متعال در محدوده تشریح این است که خداوند متعال حق دارد هر نوع تکلیف و قانونی را که بخواهد وضع کند و هیچ محدودیتی برای وضع قانون و تکلیف برای خداوند متعال وجود ندارد، اگر ما گفتیم مولویت تشریحی

خداوند از اتم مراتب مولویت است معنایش این است که هر نوع تکلیف و قانون و مقرراتی را که خداوند متعال صلاح بدانند می‌تواند جعل کند و هر دستوری را صادر کند که البته چون خداوند متعال مولای حکیم است ما عقیده داریم هر تکلیف و قانونی را که خداوند متعال وضع کند حکمتی دارد که یا در خود مکلف به است و یا در چیزی است که بعداً عائد می‌شود. حالا این مهم نیست بلکه مسئله این است که محدوده مولویت تشریحیه خداوند متعال هر چه باشد هیچ ملازمه‌ای با گستردگی حق الطاعة به معنایی که شهید صدر و قائلین به مسلک حق الطاعة می‌گویند ندارد، اینکه گستردگی مولویت تشریحی خداوند متعال لزوماً به این معنا باشد که حق الطاعة‌ی خداوند به حدی گسترده است که حتی اگر احتمال تکلیف هم داده شود باید اتیان شود صحیح نیست. به چه دلیل شما ادعا می‌کنید رعایت احترام و حریم مولی به این است که احتمالات هم اتیان شود؟ بله اتیان به آنچه که ما احتمال می‌دهیم از طرف مولی صادر شده و ما به آن تکلیف شده‌ایم امری حسن است و در حُسن این مسئله بحثی نیست، در اینکه رعایت حریم مولی دارای مراتبی است و اگر بخواهیم حریم مولی را رعایت کنیم نه فقط در فرض احتمال تکلیف بلکه در جایی هم که تکلیف نکرده و صرف اراده در مولی محقق شده، لازم است و چرا شما این را به احتمال تکلیف محدود می‌کنید؛ چون اگر منظور این است که حریم مولی حفظ شود در صورتی هم که انسان احتمال بدهد مولی اراده کرده ولو بیان و ابراز هم نکرده باشد طبق مبنای شما از دید عقل باید در این صورت هم اتیان چنین تکلیفی لازم باشد در حالی که قطعاً این طور نیست، بله در موالی عرفیه گاهی می‌بینید که شخصی نوکری دارد که تا مولی به او دستور ندهد کاری انجام نمی‌دهد گاهی هم می‌بینید که همین قدر شخص حس کند شاید مولی دلش بخواهد فلان کار انجام شود آن را انجام می‌دهد و گاهی هم می‌بینید که شخص قبل از اینکه مولی اراده کند دستوری را بدهد اسباب را مهیا می‌کند که بین خواسته مولی و اجابت آن فاصله‌ای ایجاد نشود که همه اینها مراتب عبودیت در مقابل مولی است. در حُسن مراتب کمالیه عبودیت بحثی نیست و عقل در حُسن رعایت حریم مولی در این مراتب تردیدی ندارد اما بحث در لزوم آن است که آیا عقل حکم به ضرورت رعایت اتم مراتب عبودیت نسبت به مولویت می‌کند؟ اگر عقل حکم به ضرورت رعایت حریم مولی در اتم مراتب مولویت می‌کند پس باید ملتزم شد به اینکه در مواردی هم که اراده مولی هنوز به مرحله بروز و ظهور نرسیده باید حکم به امتثال شود در حالی که قطعاً این گونه نیست لذا بین کمال مراتب مولویت که طبیعتاً از دید عقل رعایت آن مراتب حُسن دارد با رعایت حق مولویت که از دید عقل امتثال و اتیان به آن لازم است فرق است لذا عرض می‌کنیم بین مولویت تشریحیه خداوند متعال که اتم مراتب مولویت و گسترده‌ترین مراتب مولویت است یا به عبارت دیگر بین حدود مولویت ذاتیه خداوند متعال و حدود منجزیت و حق الطاعة هیچ ملازمه‌ای نیست، اگر حدود مولویت گسترده است هیچ لزومی ندارد که حدود حق الطاعة و منجزیت هم به آن گستردگی باشد بلکه آنچه که مهم است اصل رعایت حریم مولی است و آن مقداری که از دید عقل ضرورت دارد و قدر متیقن است آن مقداری است که تکلیفی به مکلف واصل شده باشد. برای این مدعا هم مطالبه دلیل نشود؛ چون ما فعلاً می‌خواهیم بگوییم آن ملازمه‌ای که شهید صدر ادعا می‌کند بین حدود مولویت ذاتیه و حدود حق الطاعة و منجزیت وجود دارد مورد قبول نیست و مشهور هم

اصل ملازمه بین منجزیت و مولویت را قبول دارند و این دو را از هم تفکیک نکرده‌اند. اشکال آنها در این مسئله است و شهید صدر هم خطاب به مشهور می‌گوید چرا شما بین این دو تفکیک کرده‌اید و می‌گویید تبعیض در منجزیت و حق الطاعة در واقع تبعیض در حدود مولویت است در حالی که مشهور می‌گویند ما ملتزم به عالی‌ترین حد مولویت برای خداوند متعال هستیم اما به نظر ما این لزوماً به معنای پذیرش عالی‌ترین حد حق الطاعة و لزوم امتثال و منجزیت نیست، البته بیانی که ما عرض کردیم متضمن چند اشکال مطرح شد که بعداً مستقلاً هم آن‌ها را طرح می‌کنیم اما فعلاً بر این اشکال تأکید می‌کنیم که بین حدود مولویت ذاتیه خداوند متعال و حدود حق الطاعة و منجزیت ملازمه‌ای نیست.

اشکال سوم:

این اشکال برمی‌گردد به مطلبی که شهید صدر در مورد منشأ اشتباه مشهور فرمودند، ایشان گفتند منشأ اشتباه مشهور در تفکیک مولویت و منجزیت قیاس مولویت حقیقی به مولویت عقلائی است، گفتند چون به نظر مشهور در مولویت‌های عقلائی فقط تکلیف واصل، لازم الامتثال است گمان کرده‌اند در مولویت ذاتی هم این چنین است و فکر کرده‌اند در مولویت خداوند هم فقط تکالیف موصله و قطعیه لازم الامتثال است در حالی که اساساً قیاس مولویت عقلائی با مولویت ذاتیه خداوند متعال قیاس مع الفارق است. این اشکالی است که شهید صدر به مشهور ایراد کردند و این را به عنوان منشأ اشتباه مشهور معرفی کردند.

به نظر می‌رسد این مطلب هم قابل قبول نیست؛ یعنی در واقع مشهور همان گونه که بیان شد صرف نظر از اینکه مولویت عقلائی چه خصوصیتی دارد معتقدند بین حدود مولویت ذاتیه و حدود حق الطاعة و منجزیت ملازمه وجود ندارد، اصلاً مسئله مسئله قیاس مولویت عقلائی به مولویت ذاتیه خداوند نیست، مشهور مولویت ذاتیه تشریحیه را برای خداوند متعال قائلند و دائره این مولویت را هم وسیع و گسترده می‌دانند اما بین حدود مولویت تشریحیه خداوند متعال و حدود منجزیت با قطع نظر از مقایسه آن به مولویت‌های عقلائیه ملازمه نمی‌بینند و اصلاً کاری به مولویت عقلائی ندارند که چه خصوصیتی دارد و از چه حدودی برخوردار است. قطعاً مشهور برای عقلاء مولویت ذاتیه قائل نیستند و قطعاً حدودی را که برای مولویت تشریحیه خداوند متعال قائلند برای مولویت عقلائیه قائل نیستند و با قطع نظر از مولویت عقلائیه می‌گویند که خود مولویت ذاتیه خداوند متعال با گستردگی که دارد اقتضاء می‌کند بندگان از او اطاعت کنند و حق طاعت و عبودیت بندگان نسبت به خدا را ثابت می‌کنند اما حدود این حق الطاعة هیچ ارتباطی به حدود مولویت تشریحیه خداوند متعال ندارد.

بحث جلسه آینده: اشکالات دیگری باقی مانده که انشاء الله آنها را در جلسه آینده عرض خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»